**تند پییچ های مبارزه‌ی طبقاتی کارگران**

**و مزدبگیران و خوش رقصی وتزلزل گرایش چپ رفرمیستی**

رشد فکری وخودآگاهی خیزش انقلابی که به مروراز سال 1396، 1398 تا اکنون روندی گسترده تر و با محتوا تری به خود گرفته را، می توان چنین بررسی کرد، که از یک سو جنبش کارگری با مبارزات خود در سطوح مختلف از آذرآب و هپکو گرفته تا هفت تپه و صنایع فولاد ودر روند رشد خود به اعتصابات و تظاهرات شرکت های آذرآب و هپکو در اراک و مقابله با نیروهای سرکوبگر رژیم سرمایه‌دارداری، بستن اتوبان بین اراک و تهران و یا تظاهرات های گسترده‌ی کارگران و مزدبگیران این دو کارخانه با خانواده هایشان در مرکز شهر اراک و یا مبارزات جانانه‌ی کارگران هفت تپه برعلیه نئولیبرالیسم و خصوصی سازی و در ادامه تظاهرات های گسترده با خانواده هایشان در مرکز شهر شوش و تظاهرات کارگران فولاد با خانواده‌ از یک سو، وازسوی دیگر در ادامه برآمد خیزش های پی در پی از سوی کارگران بیکار و فرزندان کارگران و مزدبگیران در سطوح مختلف جامعه و بعد ها در روند شروع برآمد مبارزات کارگران و مزدبگیران و ایجاد شبکه های مبارزاتی مختلف بوسیله‌ی کارگران بخش آموش مثل« معلمین دانشجویان و دانشگاهیان، فرهنگیان، بازنشستگان و ...» ایجاد شبکه های و شوراهای پتروشیمی، کارگران نفت پیمانی و ایجاد شبکه های مبارزاتی بازنشستگان که همگی این شبکه ها و شوراها سراسری هستند، خود نشانه‌ گسترش روند رشد و خودآگاهی همه‌ی کارگران و مزدبگیران در سطح جامعه است. این روند و روند خیزش زن، زندگی، آزادی به همدیگر چفت نشده و نتوانستند ارتباط جانانه‌ای برقرار کنند. این وضعیت و روند، گویای این می تواند باشد، که طبقه‌ی کارگر و مزدبگیران در وضعیت نا آگاهی نسبت به مسائل زنان قرارگرفته اند. این ناآگاهی باعث شکست در مبارزه با سیستم سرمایه داری و بدست آوردن مطالباتشان خواهد شد.

همکاران عزیز ضروری است که ما بدانیم، که بدون آزادی و برابری همه جانبه‌ی زنان در زمینه‌ی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... ما کارگران و مزدبگیران زن مرد از زیر یوغ و استثمار سرمایه داری آزاد نخواهیم شد. هم چنین زنان فکر می کنند که بدون آزادی از قید و بند سرمایه مطالبات زن، زندگی، آزادی را بدون پیوندشان با جنبش کارگری بدست خواهند آورد. این وضعیت فقط با مبارزه‌ی با تفکر مردسالاری و مبارزه‌ی ضد سرمایه داری و برابری طلبی حل خواهد شد. لازم به اشاره است که برآمد مبارزه‌ی طبقاتی طبقه‌ی کارگر و مزدبگیران از یک سو و از سوی دیگر بر آمد خیزش‌هایی که در سال‌های اخیر به وقوع پیوسته است هرچند نتوانست وحدت و یا اتحاد عملی بین کارگران و مزدبگیران و فرزندان آنها که در خیزش‌های خیابانی شرکت می کنند را به وجود بیاید را و همانطوری که یاد شد تفاوت سلیقه ونوع و چگونگی تغییرات درون جامعه را بین کارگران و مزدبگیران و خیزش فرزندان خود یعنی خیزش زن، زندگی، آزادی نتوانست مطالبات خود را با مطالبات کارگران و مزدبگیران پیوند دهد و گویا مطالبات این خیزش در همین مقطع برای کارگران و مزد بگیران به عنوان جزِئی از مطالبات آنها در آگاهی آنها هک نشده بود و این مسئله ای هست که باید به آن پرداخت. اما روند اعتلای جامعه که خیزش زن، زندگی، آزادی بعنوان بخشی از این روند بود نتوانست مطالبات خود را برای خود روشن و با مرزبندی توضیح دهد ان شد که همه‌ی گرایش‍‌ ها می توانستند این خیزش را از آن خود کنند و مورد بهره برداری قرار دهند. این خیزش به تنهایی قادرنبود و نمی توانست دگرگونی بنیادی در سطح جامعه را رقم بزند. بدلیل بی درو پیکر بودن این خیزش و اینکه مطالبات این خیزش در چه جامعه و دست در دست کدام طبقه امکان پذیر است را در شعارها و مطالبات این خیزش کم رنگ بود و دیده نمی شد. بر این بنیاد این خیزش بخصوص در خارج از کشور مورد بهره برداری سلطنت طلبان، ناسیونالیست‌های کرد طرف داران اوجلانی، آقای مهتدی، حزب دموکرات کردستان در ایران و اقلیم کردستان، ناسیونالیست‌های عرب، آذری، بلوچ و تمام راستهای رفرمیست قرار گرفت. در اینجا رفرمیست‌های چپ سرشان بی کلاه ماند. جنبش کارگری که به شوراهای کارگران و مزدبگیران و حاکمیت شوراها باورداشت، نمی توانست با این خیزش چفت شود. ما کارگران و مزدبگیران ضروری است بدانیم، که بدون آزادی همه جانبه‌ی زن و مرد در جامعه، آزادی انسانها امکان پذیر نیست. از این نظر شعار زن، زندگی، آزادی بدون آزادی همه‌ انسان‌ها از کار مزدی و بدون نابودی سیستم سرمایه‌داری امکان پذیر نیست. کارگران مزدبگیران و شوراهای آنها فقط حق کارگران و مزدبگیران را در تعیین سرنوشت خود به رسمیت می شناسد و نه تز بورژوازی "حق ملل در تعیین سرنوشت خود" ما باور به اتحاد جهانی کارگران و مزدبگیران داریم و بس.

اما ببینیم تند پیچی که از سال 1396 شروع شد و بعنوان آتش زیر خاکستر ادامه یافت ودر سال 1401 با قتل ژینا«مهسا» امینی جرقه خورد چه وضعیتی را در جریان چپ خارجی بوجود آورد؟

البته نباید از جریانات موجود خارج از کشورمثل « برخی از احزاب و سازمان‌های چپ و چپ لیبرال، احزاب کرد، عرب، ترک، بلوچ و ..» انتظار داشت و آنها را جدی گرفت. اما باید از خوش رقصی و ورشکستگی چپ منفرد و غیر منفرد که تعداد آنها هم کم نیستند نام برد، که چگونه برای راست‌ها و ناسیونالیست‌ها امکانات تهیه می کنند، به وب سایت های آنها سری می کشند و مطالب مندرجه در این وب سایت ها را منتشر می کنند این وضعیت در حین مبارزات و خیزش داخلی زن، زندگی، آزادی کاملن مشهود بود. و دراین گذر حتی گوشه چشمی به طبقه‌ی کارگر و مزدبگیران نمی انداختند، بلکه متحدین خود را در بین احزاب ناسیونالیست کرد، عرب، آذری، بلوچ و... و همچنین احزاب راستی مثل اکثریت، حزب توده و ... جستجو می کردند. اما خیزش زن، زندگی، آزادی در داخل و در متن جامعه فرق می کرد و کمتر نزدیکی با فرقه‌های خارج کشوری داشت. دلیلش هم مشخص بود زیرا اکثر آنهایی که به میدان مبارزه آمده بودن از فرزندان خود طبقه‌ی کارگر و مزدبگیران بودند. واقعیت این است که بدلیل ناهم گونی‌های جامعه که قوانین سیستم سرمایه داری آگاهانه درسطح جامعه ایجاد کرده است، منافع و مطالبات مشترک کارگران ومزدبگیران آنچنان مغشوش شده که اتحاد وهمبستگی و یا پیداکردن مخرج مشترک را سخت تر و پیچیده تر کرده است. از این رو روند مبارزات کارگران و مزدبگیران به شکلی پیش می رود که گویا بدون آزادی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بدون برابری کامل حقوق و مطالبات زنان می تواند به پیروزی برسد. **لازم به یاد آوری است که بدون به میدان آمدن کارگران و مزدبگیران«زن و مرد» تغییر اساسی و گذاری دگرگون کننده ایجاد نخواهد شد**. جنبش کارگری به یاد دارد که گرایش راست ریزه خوار بورژوازی و چپ لیبرال در انقلاب شکست خورده‌ی 57 به " خمینی ضد امپریالیسم" آویزان شد و بخشی از جنبش را به انحراف برد. امروز هم ما شاهد بند و بست‌های گرایش راست خارج کشوری با جریانات ناسیونالیست هستیم. این جریانات به مطالبات و تغییرات بنیادی و انقلابی جامعه‌ی ایران پشت کرده اند. افق پوپولیستی این جریانات این است که زیر چتر قدرت‌های سرمایه داری موقتن دست آورد داشته باشند. این جریانات شیفته‌ی "خلق‌ها" شده اند و ازوجود طبقه‌ و مبارزات کارگران و مزدبگیران جامعه‌ ایران سخنی به میان نمی آورند. خیزش زن، زندگی، آزادی جریانات خارج کشوری «برخی از افراد منفرد برخی از سازمان‌های زنان و همچنین برخی از احزاب و جریانات راست و چپ لیبرال، احزاب کرد، عرب، ترک، بلوچ و ...» که بنیادن جهت گیری راست و پوپولیستی داشتند، می خواستند روند خیزش را به سود خود مهار کنند اما نتوانستند. جنبش کارگران و مزدبگیران با بی توجه به ناسیونالیسم و پوپولیسم مبارزه برای بدست آوردن مطالبات خود را پیش می برد. اگر ما پوپولیست‌های خارج را کنار بگذاریم و آنها را از مدار مبارزه خارج کنیم، می ماند وضعیت عینی که در جامعه موجود است وما می توانیم برای ریشه یابی تخمینی این وضعیت از برآمد اعتصابات، تظاهرات ها و خیزش های که از سال 1396 تا کنون رخ داده است شروع کنیم. تا جایی که مشخص است جریانات خارج از کشور فقط توانسته اند در مغشوش کردن جنبش انقلابی کارگران ومزدبگیران نقش اساسی داشته باشند. هرکدام از این جریانات آویزان به رهبران ناامید شده از سوسیالیسم شده اند و در جستجوی "راه سوم" می باشند. البته باید اشاره کنم که هریک از این جریانات عده ای معدود اسلحه بدوش بخصوص در کردستان ایران دارند. تا جایی که من شعارهای خیزش را شنیده و دنبال کرده ام، خبری از اینکه فریاد فدرالیسم، خود مختاری و یا کنفدرالیسم اوجلانی را داده باشند خبری در دست نیست. حقیقت این است که بدون به میدان آمدن کارگران و مزدبگیران سیستم سرمایه داری دچار تغییر و تحولات اساسی و گذار از سرمایه داری به رهایی انسانها نخواهد بود. اما تاریخ نشان داده که در انقلابات جهانی، بدون اقدام عملی کارگران و مزدبگیران هیچ تغییر اساسی در جوامع به وجود نیامده است. من بر این باورم که بدون نقش مؤثر طبقه‌ی کارگر و مزدبگیران، بدون شکل گیری شوراهای کارگران و مزدبگیران در مقابله با سیستم سرمایه داری، آب در هاون کوبیدن است. چپ لیبرال سعی در پاک کردن نقش طبقه‌ کار گر در روند مبارزات جامعه را دارد و باید با آن مقابله کرد.

**پیروزی ما کارگران و مزدبگیران زن و مرد در گرو اتحاد ما بر علیه کار مزدی است**

**زنده باد شوراهای کارگران و مزدبگیران زن و مرد، زنده باد حاکمیت شوراهای کارگرن و مزدبگیران**

**نابود باد سیستم سرمایه داری محلی و جهانی**

 **علی برومند**

**اردیبهشت 1403 - مه 20024**

## دردرباره کودار

۱۰ ادسفنددرد, ذذذ۱د**باره کودار**

۱۰

…